وقوع مقارنه در اهلال هلال در صفحهای عمود بر منطقة البروج

در جلسه قبل هم صحبت شد که نقطه مقارنه باشد در صفحهای عمود باشد. بعد از مباحثه در ذهنم آمد که قبلاً این را در مباحثه گفته بودیم و چون این مسأله کسوف و خسوف را از قدیم به‌صورت مباحثه آماده کردهای ندانستیم؛ متأسفانه نشد به کلاس برویم. تشریح الافلاک را مرحوم آقای آیت اللهی در یزد شروع کردند. سنشان خیلی بود. ایشان در صد و دو سالگی وفات کردند. ایشان تا فلک شمس رسیدند و دیگر به ییلاق تشریف بردند و مباحثه هم به‌خاطر ایشان تعطیل شد، ادامه آن را هم خودمان مباحثه کردیم، درس نبود. در مباحثه تشریح الافلاک یادم نیست که فلک قمر را به تفصیل بحث کردیم یا نه. لذا آن چه که در حافظه من بود، از فکر دم دستی در مباحثه بود. گاهی آدم در مباحثه فکر میکند. من یادم آمد چندبار دیگر گفته بودم؛ رفتم در جلسات مباحثه که تا حالا داشتیم جست و جو کردم، دیدم در سه جلسه من همین را عرض کردم. جلسه یازدهم، شصت و دوم و جلسه صد و شصت و هشتم.

شاگرد: در همین جلسات رؤیت هلال؟

استاد: بله. برای جلسات شماره مسلسل گذاشتهاند. شماره یازدهم، شصت و دوم، صد و شصت و هشتم. چرا ذهن من رفت؟ وقتی در مباحثه، فکر میکردم یک عمودی میگفتم. یادم بود که خودم یک عمودی میگفتم، رفتم این جلسات را دیدم، دیدم در هر سه جلسه عمود را گفته ام. گفتم مرکز شمس و قمر و زمین در یک صفحه عمود بر افق قرار میگیرند. این را سه بار در آن جا گفتم. بعدش در ذهنم آمد که من قبلاً یک عمودی را میگفتم.

آقا فرمودند عمود بر منطقة البروج است. فرمایش ایشان واضح است. اگر فکر بین مباحثه نباشد، مطلب درست و واضحی هم هست. شکل آن را در دفکیه گذاشتند. فقط از مرحوم آسید علی نجف آبادی یادم آمد. از علماء بزرگ اصفهان بودند. چندین بار اسم ایشان را گفته ام. رحمت الله علیه! یادتان باشد گفتم ایشان به نجف رفته بودند میگفتند نوشتههای علماء و اساتید را بیاوری تا من ببینم. بعد تأکید میکردند مبیضة را نیاوری، آن چه را که پاک نویس کردهاند را نمیخواهم؛ مسودة ها و مطالبی که اول کار نوشته اند را میخواهم. بعد یک جمله مهمی میگفتند؛ واقعاً مهم است! میفرمودند من از جاهایی که آنها خط زدهاند و اصلاح کردهاند بیشتر استفاده میکنم تا آن جایی که پاک نویس شده. لذا من یاد ایشان افتادم؛ من که به‌خاطر فکر در مباحثه گفتم باید محاذی آن قرار بگیرد، ذهن من و نقطه انطلاق فکر کجا بود که منجر شود بگویی محاذی هستند؟

من مرور کردم تا ببینم این محاذات را از کجا نتیجه گرفتم؛ شاید اینجا بود: مقدمهای است که باید روی آن فکر شود. در لحظه مقارنه اگر لحظه غروب قم باشد ماه کجا است؟ ببینید آدم

می‌توان این‌جا اشتباه کند. گفتم شاید همین‌جا بود که به ذهن من اشتباه آمد. فرض بگیری در لحظه مقارنه خورشید در لحظه غروب قم بود و روی افق بود. مرکز شمس روی افق قم می‌آید، همان لحظه مقارنه است. اگر لحظه مقارنه است و خورشید غروب می‌کند، ماه کجا است؟

شاگرد: در افق است.

استاد: در افق است. نقطه انطلاق من همین‌جا بود. گفتم خب در مقارنه هستند. اگر لحظه غروب، مقارنه صورت گرفته، پس کنار هم هستند و روی یک خط قرار می‌گیرند؛ خط افقی. و حال این‌که این نقطه انطلاق، مسامحه دارد. تقریبی گفتن آن مانعی ندارد اما واقعیتش این‌طور نیست. لذا به ذهن آمد که من در جلسات قبل عمود می‌گفتم، عمود که جور در نمی‌آید. اگر بخواهد عمود باشد لامحاله باید بر افق عمود باشد. اگر شمس در حال کسوف نیست، قمر باید یا بالاتر باشد یا پایین‌تر. چطور شما می‌گویید باید در افق باشد؟! لذا ماه باید مقداری بالاتر یا پایین‌تر باشد.

ظاهراً در جلسات قبلی حالم اقتضاء نداشت که دقیقاً ترسیم کنم. آیا آن حرف که در سه جلسه گفتم درست است یا نه؟ اگر ما یک صفحه عمود بر افق عبور بدهیم که لحظه مقارنه در یک صفحه عمود بر افق قرار بگیرد، با این‌که می‌دانیم منطقه البروج با افق یکی نیست، ظاهراً آن حرف هم مورد منافشه است و اشتباه در می‌آید؛ ولی مطمئن نشده‌ام.

شاگرد: ممکن است چپ و راست باشد و نقطه غروب قمر با غروب شمس متفاوت باشد.

استاد: بله، و لذا آن جلسات ما خراب می‌شود. چون گفتم لحظه مقارنه در صفحه‌ای است که عمود بر افق باشد، ولی یادم آمد که من یک ملاحظه‌ای داشتم که می‌گفتم عمود بر افق است. یعنی عنایت داشتم که می‌گفتم عمود است. به همین خاطر بود که دنبالش رفتم تا ببینم در کدام جلسه این‌طور گفتم. عنایت داشتم که عمود بر افق است. این فرمایش شما را در جلسه قبل گفتم مانعی ندارد کمی این طرف تر باشد. چون عرض دارد. لذا حیثیات متخلف در این بحث دخیل است. این‌که چه کار کنیم بر عهده شما باشد. مال گفته بود جوانی کجایی یادت بخیر! حال ما هم حواله به کسالت و ... می‌دهیم! ولی نشد. من هر چه خواستم تفاوت داره افق و منطقه البروج را ترسیم کنم حالم نگذاشت. اگر در ذهن شما سر رسید و آن را ترسیم کردید به من هم بفرمایید. خلاصه این افق چیست؟ عمود بر افق درست است یا نه؟ یا نه، آنها هم درست نیست؟

شاگرد: وقتی خورشید و زمین را وقتی در منطقه البروج تصور می‌کنید باید صفحه‌ای عمود را تصور کنید. وقتی ماه به این صفحه عمود می‌رسد این لحظه مقارنه است. این زمین و این خورشید است و ماه مقداری بالاتر از این صفحه عمود قرار گرفته، آن وقت وقتی در زمین باشد و در افق خورشید را می‌بینیم آن صفحه عمود بر منطقه البروج، برای ما افقی است. موازی افق است. این صفحه‌ای که ماه در آن صفحه عمود بر منطقه البروج است، وقتی به افق نگاه می‌کنیم آن صفحه عمود بر ما است. لذا ما باید آن را چپ و راست ببینیم.

استاد: این بیان ناصر جلسه قبلی ما می‌شود.

شاگرد: بنابراین آن صفحه‌ای که هر سه در آن قرار بگیرند مقارنه می‌شود، یا عمود بر منطقه البروج است یا بگوییم به موازات افق است؟

استاد: اگر ذهن من طوری باشد تصورش تا آخر برود، نیست. گفته بود مکاسب می‌رفت ولی درسها را نخوانده بود. یکی به او رسید و گفت تو که مکاسب می‌روی، می‌فهمی؟! گفت کر که نیستم! حال که ایشان هم فرمایش فرمودند من کر نبودم، شنیدم! اما این‌که چقدر از آن را تصور کنم و جلو ببرم، معلوم نیست. ان شالله اگر شما سر رساندید به من هم افاده بفرمایید.

بازبینی #1
ایجاد شده 29 آوریل 2026 12:00:21 توسط ... .
به روزرسانی شده 29 آوریل 2026 12:01:21 توسط ... .